

نقش سبک‌های هویتی در تبیین هویت ملی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان)

راضیه مهرابی کوشکی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران

جواد امام جمعه‌زاده، دانشیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران*

حسین مسعودنیا، دانشیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، ایران

علی ربانی خوراسگانی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

میزان هویت ملی در میان اقشار جوان و نخبه دانشگاهی یکی از دغدغه‌های پیش روی دولت‌ها و جوامع چند فرهنگی همچون ایران است. این مسأله یعنی میزان احساس تعلق خاطر و آگاهی نسبت به مؤلفه‌های سازنده هویت ملی نیازمند بررسی معرف‌ها و عوامل روان‌شناختی، فرهنگی، جامعه‌شناختی و سیاسی تأثیرگذار بر آن به ویژه در میان نسل‌های سوم و چهارم انقلاب است. به همین منظور پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی تازه مبین‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هویت ملی را از دریچه سبک‌های هویتی بازبینی کند. چارچوبی که به زعم نظریه‌پردازان آن، افراد تجارب زندگی خود را متناسب با آن، معنا و تفسیر می‌کنند و اهداف زندگی خود را تعیین می‌کنند. به نظر می‌رسد نوع کاوش، جستجو، تعهد و تصمیم‌گیری درباره آن‌چه باید ارزش‌ها، باورها و اهداف ملی باشند و به دنبال آن، درگیر شدن کنش‌ها، تکالیف و انتخاب‌های مهم سیاسی و اجتماعی افراد؛ بتواند میزان هویت ملی در میان دانشجویان را تبیین کند. لذا سؤال اصلی این است که آیا سبک‌های هویتی می‌تواند هویت ملی دانشجویان را پیش‌بینی کند و احتمالاً کدام سبک یا سبک‌های هویتی با افزایش و یا کاهش احساس و آگاهی نسبت به تاریخ، سیاست، فرهنگ و اجتماع افراد در ارتباط است؟ پاسخی که می‌تواند از طریق مطالعه بین رشته‌ای، راه حل‌هایی را برای افزایش هویت ملی دانشجویان بازنمایی کند. روش به کار رفته در این پژوهش از نوع پیمایشی است که در میان ۲۴۴ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ انجام گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد سبک‌های هویتی می‌تواند تا ۳۱ درصد از هویت ملی دانشجویان را تبیین کند. در این میان سبک هنجاری بیشترین تأثیر مثبت و هم‌افزا را داشت و سبک اجتنابی در جهت کاهش هویت ملی دانشجویان عمل کرد. این در حالی است که خودبسنده‌گی، اکتشاف و جستجوگری فعالانه یعنی سبک هویتی اطلاعاتی نتوانست نقش معناداری در جهت افزایش یا کاهش هویت ملی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: هویت ملی، سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک اجتنابی / آشفته، کاوشگری، تعهد

مقدمه و بیان مسأله

آگاهی از «بودن در جهان»، سؤال از کیستی و چیستی خود، شناخت و معرفت نسبت به خود و اطلاع از تمایز و شباهت خود با دیگری، احساس تعلق به مجموعه مشابهی از خودها در چارچوب «ما» و احساس تفاوت و تمایز با مجموعه متفاوتی از خودها در چارچوب «آن‌ها»؛ تنها به انسان و زندگی فردی و اجتماعی او اختصاص دارد و همواره شناخت این مکانیسم و پیامدهای رفتاری و سیاسی آن مورد تدقیق و مطالعه انسان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان، سیاست‌شناسان و اصحاب اندیشه و خرد یعنی فلاسفه بوده و خواهد بود.

«خود» و «دیگری»، «ما» و «آن‌ها» در سطح گروه ملی (ملت)، بر احساس تعلق و آگاهی فرد یا افراد از میراث گذشته، سرزمین، ادبیات، زبان، دین، دستاوردها و دارایی‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز باورها و ارزش‌های نظام سیاسی؛ معنایی از هویت ملی را تشکیل می‌دهد که ضعف و قوت آن با بسیاری از موضوعات و مسائل سیاسی و اجتماعی در سطح خرد و کلان همچون توسعه و حفظ تمامیت سرزمینی تلاقی و امتزاج یافته است. برای نمونه تقویت احساس همسانی، تشابه، تعلق و وفاداری افراد به گروه‌های ملی یا واحدهای جمعی نظیر ملیت (خودمان) و شناخت و آگاهی از تفاوت‌ها، ناهمسانی و تمایزات با سایر واحدهای جمعی (شهرام‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۴)، شرط لازم برای پیشرفت و توسعه دانسته شده است و چنان‌چه کشوری بخواهد به رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی دست یابد، به بیان لئونارد بایندر^۱ باید از بحران هویت بگذرد. به عبارت دیگر، وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی و کشورهای در حال توسعه؛ در گذار موفقیت‌آمیز از بحران هویت ملی معنا شده است (پای^۲ و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۳) زیرا طراحی و اجرای طرح‌های توسعه توسط نیروهای فعال و پیشرو همچون جوانان و دانشجویان، آن زمان کارآمد خواهد بود که با نگاه دلسوزانه ملی آنان

همراه گردد.

از سویی دیگر تداوم حیات سرزمینی همچون ایران، در منطقه‌ای که شاهد ظهور و بروز انواع خشونت‌ها، اختلافات قومی و افزایش وفاداری‌های فراملی و فروملی با محتوای قومی و مذهبی هستیم؛ مواجهه با گسترش و تهاجم آموزه‌های غیربومی و ناهنجار همچون سلفی‌گری، اندیشه‌های الحاق‌گرایانه پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌کردیسم همراه با دعوی سرزمینی مدعیان آن، تنها با اتخاذ تدابیر سخت و به کارگیری قدرت نظامی مدیریت نخواهد شد. تقویت مرزهای ذهنی شهروندان برای افزایش احساس تعلق و وفاداری به تاریخ، فرهنگ، سرزمین و نظام سیاسی (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۰)، یکی از مهم‌ترین الزاماتی است که در ابتدا نیازمند شناخت وضعیت و میزان هویت ملی افراد و سپس عوامل و مبین‌های تأثیرگذار بر آن است.

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد تاکنون از زوایای مختلفی به مسأله هویت ملی پرداخته شده اما آن‌چه در این جستار شایان توجه است، گشودن منظرگاهی جدید از روان‌شناسی اجتماعی با نام «سبک‌های پردازش هویت»^۳ یا در اختصار «سبک‌های هویتی»^۴ در تبیین ساخت هویت ملی است. موضوعی که کمتر مورد توجه دانش‌سیاسی در تبیین مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است. این باور جدی در میان طراحان ایده سبک‌های هویتی وجود دارد که یکی از علل تفاوت میان افراد در روبرو شدن با مسائل و موقعیت‌های گوناگون فردی و اجتماعی، تفاوت پایگاه یا سبک هویتی آنان است. نوع و شکل این سبک‌ها در دوره نوجوانی و ابتدای جوانی به تکامل خود می‌رسد و آثار و مسائل موفقیت و توفیق نیافتن در حل بحران‌های این دوره، خود را به بزرگسالی می‌رساند و انتخاب‌ها و ارزش‌های فردی و اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حسینی‌نسب، ۱۳۸۸: ۸۲). برای نمونه، فردی که دچار آشفتگی هویتی است، به ارزش‌های مرسوم اجتماعی و ملی تعلق خاطر ندارد و

^۳ Identity Processing Style

^۴ Identity Styles

^۱ Leonard Binder

^۲ Pye

ایران مانع بزرگی در تقویت و بروز هویت ملی اقوام ایرانی است، چندان درست نیست و نظریات جدید با دیده تردید به این چشم‌انداز نگاه می‌کنند. با توجه به نتایج تحلیل ثانویه استدلال کردند لزوماً رابطه هویت ملی و قومی معکوس و کاهنده نیست و این دو در حالت سازگاری و همزیستی در میان اقوام ایرانی (ترکمن، آذری، بلوچ، عرب، لر و کرد) دیده می‌شوند. ابوالحسنی (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی» به مطالعه میزان هویت قومی، ملی، امّتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد تقابلی میان هویت ملی شهروندان و دو هویت قومی و امّتی وجود ندارد.

برخی پژوهش‌ها نیز علاقمند بررسی تأثیرات جهانی شدن به ویژه رسانه‌ها و فضای مجازی بر میزان هویت ملی افراد است. ربانی و همکاران (۱۳۸۸ب) در پژوهشی میزان تأثیر استفاده از رسانه‌های گروهی بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه اصفهان را بررسی کرده‌اند. آزمون تجربی نظریات گیدنز، انگلهارت، رایزمن نشان داد دانشجویانی که از رسانه‌های گروهی داخلی استفاده می‌کنند، از هویت ملی نمره بالایی دریافت کرده‌اند و با استفاده آنان از رسانه‌های خارجی این میزان برعکس می‌شود زیرا این قبیل رسانه‌ها حامل الگوها و نگرش‌های جدید و غیر ملی هستند و هویت ملی را کاهش می‌دهند.

جمالی (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی به تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر نگرش‌های سنتی، قبیله‌ای و مذهبی جوانان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه هویت ملی پرداخته است. در این پژوهش مشخص شد جوانان این منطقه همچنان از ابزارهای مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی برای حفظ ارتباطات و پیوندهای اجتماعی به ویژه مذهبی بهره می‌برند و این مسأله هویت ملی آنان را در جهت کاهش تحت تأثیر قرار داده است. همچنین بیستلی و همکاران (۲۰۰۹) هویت ملی جوانان استرالیایی را تحت تأثیرات دوگانه فرآیند جهانی شدن مطالعه کرده‌اند. نویسندگان بر این باور هستند که عموماً بحث از ملت و تعریف موقعیت ملی در جهان بر اساس فرهنگ،

مجموعه‌ای از احساس بی‌معنایی، پوچی، انکار، افسردگی، انزوا، تنفر، بیزاری، ناهنجاری و بدبینی در او ظهور می‌کند. در چنین وضعیتی نمی‌توان از فرد انتظار داشت بر اساس هنجارهای مسلط جامعه عمل کند، تمایلات بهنجار از خود بروز دهد و سمبل‌ها، عقاید و باورهای حاکم را بپذیرد. این شرایط ممکن است با رفتارهای نامطلوب همچون پیوستن به هویت‌های کوچک، خاص‌گرایانه و یا هویت‌های عام و فراملی همراه شود که نتایج نامطلوبی پیش روی نظام سیاسی قرار می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۲۵ و حاجیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

به نظر می‌رسد میزان هویت ملی افراد با نوع سبک هویت‌یابی او در ارتباط باشد. لذا در این پژوهش تلاش شده نقش سبک‌های هویتی دانشجویان دانشگاه اصفهان بر میزان هویت ملی بررسی شود. به عبارت دیگر سؤال این است که آیا سبک‌های هویتی می‌توانند هویت ملی دانشجویان را تبیین کنند؟ چنانچه پاسخ مثبت باشد، کدام سبک یا سبک‌های هویتی به تقویت و افزایش هویت ملی منجر می‌شود و احیاناً کدام یک با کاهش احساس تعلق و وفاداری دانشجویان نسبت به تاریخ، فرهنگ، سرزمین و نظام سیاسی در ارتباط هستند؟ به این ترتیب هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش سبک‌های هویتی در تبیین هویت ملی است همچنین از اهداف فرعی می‌توان به بررسی و سنجش میزان سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی / آشفته هویتی در میان دانشجویان نام برد.

پیشینه تحقیق

موضوع هویت ملی و مبین‌های آن توجه بسیاری از محققان داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است. برخی نسبت به رابطه هویت ملی با دیگر سطوح و لایه‌های هویتی به ویژه هویت قومی و دینی اهتمام داشته‌اند. برای نمونه امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری» تلاش کردند در یک بررسی نظری و تبیین تجربی نشان دهند این باور که احساسات و تعلقات قومی در

گذراندن اوقات فراغت، مطالعه کتاب، تفریح و گردش با هویت ملی رابطه معناداری برقرار است لیکن محتوای آموزشی و کتب درسی نقشی در میزان هویت ملی آنان نشان نمی‌دهد.

بخش دیگری از تحقیقات به مطالعه و بررسی سبک‌های هویتی بر پدیده‌های اجتماعی و روان‌شناختی اختصاص دارند. یکی از مهم‌ترین و نزدیک‌ترین این پژوهش‌ها به نوشتار حاضر، مقاله کاظمی و نادری (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و مازنی» است. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان دارای سبک هویت‌یابی اطلاعاتی بوده و تفاوت مناداری در سه گروه قومی و نوع سبک هویت‌یابی آن‌ها وجود ندارد. در عین حال میان هویت قومی و سبک هویتی اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

غضنفری (۱۳۸۳) در پژوهشی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اصفهان ضمن بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه سبک‌های هویت‌یابی (ISI-6G) میزان آن را نیز محاسبه کرده است. نتایج نشان داد ۶/۳ درصد آزمودنی‌ها از سبک هویت اطلاعاتی، ۳۸/۱ درصد سبک هنجاری و ۱۵/۶ درصد از سبک هویتی آشفته برخوردارند. اسکیان و چنگیزی (۱۳۸۷) نیز با «بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران» نشان دادند تمایز یافتگی تنها با سبک هویتی آشفته و سردرگم رابطه منفی و معنادار داشته و نشان می‌دهد افرادی که معیارهای فردی و ارزش‌های شخصی تعریف شده‌ای دارند، کمتر در چپستی و کیستی خود دچار بحران و سردرگمی می‌شوند.

حجازی و همکاران (۲۰۰۹) نیز در پژوهشی نشان دادند میان سبک اطلاعاتی و موفقیت علمی دانش‌آموزان رابطه هم‌افزا و مثبت وجود دارد و سبک آشفته می‌تواند بر موفقیت تحصیلی اثر معکوس بگذارد. طباطبایی و همکاران (۹۰) نیز چنین موضوعی را در کنار متغیر مسؤلیت‌پذیری بر پیشرفت تحصیلی نوجوانان تهرانی مطالعه کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد به استثنای سبک هویتی آشفته سایر خورده

تاریخ و ادبیات به ویژه در شرایط تاریخی کشور تازه تأسیسی چون استرالیا در حال منسوخ شدن است. پاسخ‌های کنشگران جوان نسبت به جهانی شدن، محصولات فرهنگی جهانی شدن و هویت ملی حاوی نکاتی برای جهت‌گیری‌های جدید هویتی در مدارس و سیستم آموزشی است. به خصوص وقتی که آن‌ها تردید و عدم اطمینان را از روابط استرالیا و آمریکا بیان می‌کنند و همزمان هویت خود را با محصولات فرهنگی آمریکایی گره می‌زنند.

برخی نیز به هویت ملی در ساختارهای دنیای حقیقی و در چارچوب گروه‌های اجتماعی و روابط درون گروهی و برون گروهی توجه کرده‌اند. پژوهش شهرام‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی: (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)» به این موضوع اختصاص دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد قرار گرفتن افراد در شبکه‌های متنوع اجتماعی با ابعاد مختلف هویت ملی (فرهنگی - اجتماعی؛ هویت سیاسی؛ هویت تاریخی و هویت سرزمینی) رابطه هم‌افزا و معناداری دارد هر چند این رابطه در ارتباط با شبکه‌های درون گروهی به اثبات نرسید. در همین راستا، ردیگرز و همکاران (۲۰۱۰) به مسأله هویت ملی در جامعه چند فرهنگی آمریکا پرداخته‌اند. در نمونه‌گیری آماری گسترده‌ای که بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ در میان جوامع چند قومی ۲۸۷ کالج در ایالت‌های میامی و فلوریدا جمع‌آوری شد، مفهوم هویت آمریکایی سنجش شد. بر اساس نتایج، جامعه رنگین پوستان و اقلیت‌های فرهنگی احساس تعلق کمتری نسبت به این مفهوم به نسبت سفیدپوستان داشتند. آنان آمریکایی بودن را مترادف با گسست روابط درون گروهی و خانوادگی می‌دانستند.

حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰) عوامل متعددی را بر هویت ملی در سه بعد عاطفی، شناختی و رفتاری سنجیده‌اند. نتایج نشان داد هویت ملی دانش‌آموزان اصفهانی در بعد عاطفی به نسبت بعد شناختی و رفتاری بیشترین نمره را به خود اختصاص داده است همچنین بین متغیرهایی همچون ملی‌گرایی دوستان، خانواده، تلویزیون، در کنار شیوه‌های

صورت موفق نشدن در آن، بحران در دوره‌های دیگر حیات انسانی تسری می‌یابد و چنانچه این بحران در زمان خود حل شود، فرد به هویت متشکل و منسجم که عبارت است از وحدت درونی، خودپذیرشی و ثبات نسبی، می‌رسد (حسینی نسب، ۱۳۸۸: ۸۲).

اریکسون بر مبنای دو مقوله «تعهد»^۱ و «جستجوگری»^۲ چهار پایگاه هویتی^۳ را از یکدیگر بازشناسایی کرده است: ۱- هویت موفق (وجود تعهد و جستجوگری)، ۲- هویت دیررس^۴ (نبود تعهد و وجود جستجوگری)، ۳- هویت زودرس^۵ (وجود تعهد و نبود جستجوگری) و ۴- هویت سردرگم^۶ (نبود تعهد و جستجوگری) (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶). در این حصر منطقی، کاوشگری به پرس و جوی فعال فرد و بررسی گزینه‌های هویتی گوناگون قبل از تصمیم‌گیری درباره آن‌چه ارزش‌ها، باورها و اهداف او را باید تشکیل دهد، مربوط است و تعهد، به انتخاب نسبتاً محکم و پایدار یک حوزه هویتی و درگیر شدن فرد در تکالیف و کنش‌های متناسب به آن گفته می‌شود (Crocetti & et al., 2009). به این ترتیب ایده اریکسون در باب سبک‌ها یا پایگاه‌های هویتی منشاء نظریه‌پردازی درباره فهم هویت‌یابی و مراحل تکوین آن گردید و توسط مارسیا^۷ (1966, 1979) و برزونسکی^۸ (1990, 1998 & 2003) (2003) با جهت‌گیری شناختی و اجتماعی توسعه یافت.

مارسیا (1966) به مانند اریکسون معتقد است هویت در مراحل مختلف تکامل می‌یابد و مهم‌ترین دوره تکامل و شکل‌گیری آن، دوره نوجوانی و جوانی است. از منظر او، فرد ممکن است چهار گونه هویت را بر مبنای کاوش و تعهد تجربه کند: ۱- هویت آشفته ۲- هویت زودرس ۳- هویت دیررس و ۴- هویت موفق (تحقق یافته)^۹. تحقیقات اخیر او و

مقیاس‌های سبک‌های هویتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه هم‌افزا و مثبت داشته‌اند. همچنین حجازی و فارسی‌نژاد (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای به مقایسه سبک‌های پردازش هویت بر مبنای جنس و فرهنگ پرداخته و دوگروه دانش‌آموزان تهرانی و کرد زبان را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان از برتری سبک هویتی آشفته در پسران و برتری دختران در سبک اطلاعاتی بود. به علاوه دانش‌آموزان کرد زبان بیش از دانش‌آموزان تهرانی سبک هویتی آشفته دارند و دانش‌آموزان تهرانی بیش از کرد زبانان دارای سبک اطلاعاتی هستند.

به این ترتیب مشخص است کمتر پژوهشی به تأثیر سبک‌های هویتی در تبیین هویت ملی اهتمام داشته است. لذا این نوشتار در گامی نو تلاش دارد این رابطه را تبیین و بررسی کند.

مبانی نظری

اساساً واژه غامض، پیچیده و بنیادین هویت مفهومی است منحصر به حیات فردی و اجتماعی انسان و بر آگاهی ناشی از تجربه شباهت و تمایز استوار است (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). مفهومی که فرد از خود به عنوان یک شخص دارد و خمیرمایه‌ای که با کمک آن احساس تداوم و یکپارچگی در حیات مادی و معنوی فرد معنا می‌یابد (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۰). اریکسون (1968) از پیشگامان بحث هویت‌یابی، هویت را چارچوبی می‌داند که افراد با بهره‌گیری از آن، تجارب زندگی خود را معنا، تفسیر می‌کند و اهداف زندگی خود را تعیین می‌نماید. به زعم او، دوران نوجوانی زمان ایجاد همین چارچوب است (شاهی و اوجی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۴ به نقل از: کوری، ۲۰۱۰) و رشد مفاهیم عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی از این دوره شدت می‌برد و انتظار می‌رود فرد تا دوره جوانی به بلوغ لازم برسد و مفهوم «خود» و «دیگری» در سطوح مختلف فردی و اجتماعی شکل گرفته باشد. اریکسون معتقد است مراحل رشد انسان هشت مرحله با خصایص و بحران‌های خاص تشکیل شده است. موفقیت در هر مرحله، یعنی غلبه بر بحران‌های آن مرحله لیکن نوجوانی دورانی است که در

¹ Commitment

² Exploration

³ Identity Status

⁴ Moratorium Identity

⁵ Foreclosure Identity

⁶ Diffused Identity

⁷ Marcia

⁸ Berzonsky

⁹ Identity achievements

روانی و حقیقت عینی خود را بهتر کشف کرده و بشناسد (حسینی‌نسب، ۱۳۸۸: ۸۴).

افراد واقع در سبک مذکور، اغلب به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی درباره خود هستند. آنان ممکن است باورهای سیاسی و غیر مذهبی را با شور و علاقه دنبال کند اما پس از مدتی آن‌ها را کنار بگذارند. این افراد باورهای مذهبی و سیاسی خانواده را بررسی کرده آن‌چه را با هویت‌شان همخوانی ندارد کنار می‌گذارند (اتکینسون، ۱۳۸۰ به نقل از: فرزنده‌خو، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۱۹). به طور کلی افراد حاضر در این پایگاه «خود» نیرومندی در خود پرورش داده‌اند و هرچند ممکن است به لحاظ سیاسی لیبرال یا محافظه کار باشند اما خود آگاهانه این مسیر را انتخاب کرده‌اند (Cramer, 2004). مطالعات نشان می‌دهد سبک اطلاعاتی، در میان جوانان دانشگاهی حضور بیشتری دارد زیرا محیط باز و متنوع دانشگاه، غالباً افراد را به مرحله بازننگری و تغییر نگرش‌هایشان سوق می‌دهد (Kroger & Green, 1996). در مقایسه، جوانان شاغل و غیر دانشگاهی سریع‌تر در جهت انتخاب هویت خود اقدام می‌کنند و به مرحله ثبات هویتی می‌رسند (Meeus & et al., 1999).

سبک اطلاعاتی به استدلال برخی پژوهشگران یک پایگاه انتقالی^۲ محسوب می‌شود زیرا به نسبت سایر سبک‌ها ثبات و دوام کمتری دارد و این احتمال که پایگاه هویت فرد از اطلاعاتی تغییر یابد زیاد است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد که امکان باقی ماندن افراد در این حالت به دلیل همراهی آن با ناآرامی شناختی، عاطفی و احساسی، بسیار کمتر است در مقابل، سبک هنجاری از باثبات‌ترین و پایدارترین آن‌هاست (Marcia, 1979; Byrd, 2005 and Kroger & Haslett, 1988).

۲- سبک هنجاری^۳: افراد دارای سبک هنجاری و یا به تعبیر مارسیا (1966) هویت زودرس، در تصمیم‌گیری‌ها و کسب اطلاعات هویتی، به گروه‌های مرجع و افراد مهم مراجعه و با آن‌ها هم‌نوا و هماهنگ می‌شوند. آنان در

و همکاری‌اش (2010) نشان می‌دهد درصد زیادی از افراد تا سنین بزرگ سال به پایگاه هویت موفق نمی‌رسند و به درجات مختلف بحران و آشفتگی هویتی دوران نوجوانی را به همراه دارند.

برزونسکی (1990) دیگر صاحب‌نظر مطرح در این حوزه، تحقیقات خود را بر مبنای رویکردی شناختی، دنبال کرده است. به زعم وی، هویت همراه و متأثر از جهان اجتماعی مداوم یافته و رشد می‌کند و سبک هویت عبارت است از این‌که چگونه افراد به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و از آن استفاده می‌کنند (طباطبایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷). به عبارت دیگر هویت، چگونگی تلقی افراد از خود و نیز چگونگی تفسیر افراد از جهان اطرافشان است (Berzonsky, 1990). او با تجدیدنظر در مدل اریکسون و مارسیا، به دلیل توازن بسیار بالای میان وضعیت هویت موفق و دیررس، این دو سبک را در درون سبک هویت اطلاع مدارانه یا اطلاعاتی ادغام کرد. نهایتاً مدل برزونسکی (1999) به سه فرایند و سبک‌شناختی در جهت‌گیری‌های هویتی نظم می‌بخشد:

۱- سبک اطلاعاتی^۱: یا به بیان اریکسون و مارسیا پایگاه هویت دیررس و به تعلیق افتاده؛ معمولاً در افرادی دیده می‌شود که آگاهانه و فعالانه به جستجوی اطلاعات و پردازش آن می‌پردازند. آنان افرادی سخت‌کوش، دارای قدرت حل مسأله، کنترل درونی، خودآگاه، عزت نفس بالا، و پیچیدگی شناختی هستند (Adams & Berzonsky, 2003)، نسبت به آینده امیدوار و کمتر تحت تأثیر دیگران بوده و متناسب با باورهای خود عمل می‌کنند. آنان در مورد مشاهدات خود با تردید برخورد کرده، تمایل دارند قضاوت در مورد رخدادهای اطرافشان را به تعویق بیندازند تا در زمانی مناسب اطلاعات خود را ارزیابی و تحلیل نمایند. این‌گونه سبک هویتی، معمولاً نتیجه یک تصمیم سنجیده و یا عمیق است که فرد به خود فرصت می‌دهد تا از فشار ناشی از مدرسه، دانشگاه و یا اولین شغل تا حدی رها شود و در یک فرصت مناسب جنبه‌های

² Transitions Status

³ Normative style

¹ Information style

بهنجار و طبیعی است لیکن آنچه نامطلوب است ناتوانی در کنار آمدن با آشفتگی‌های هویتی و انتقال آن به دوره‌های بعدی زندگی است. بحران هویت از آن جهت مهم است که نمی‌تواند مجموعه از آرمان‌ها و ارزش‌ها را به عنوان پایه و چارچوب خود به دوران بزرگسالی منتقل کند (Byrd, 2005). اساساً فرد بحران زده نمی‌داند کیست و جای او در این دنیای پهناور کجاست. این آشفتگی روانی و ذهنی در کنش‌ها و رفتارهای فرد ظهور می‌یابد و او را به انزوا خشونت و پرخاشگری مستعد می‌سازد. بحران هویت زمانی ایجاد می‌شود که افراد جهت‌گیری مشخص در زندگی ندارند به ارزش‌ها و آرمان‌های معینی وابسته نیستند، کوششی برای دستیابی به آن نمی‌کنند و آنرا صعب و مشکل می‌دانند. افراد آشفته و سردرگم معمولاً احساس تعهد، اهداف و ارزش‌های درونی برای کسب موفقیت ندارند (Berzonsky & Kinney, 1995).

نبود تحقیق (کاوشگری) و تعهد، افراد دارای هویت آشفته را به عنصری خنثی، بی‌خیال و بی‌هدف تبدیل کرده است (Marcia, 1966). آنان معمولاً از روش‌های منطقی در فرآیند پردازش اطلاعات کمتر بهره می‌برند؛ مهارت حل مسئله محدودی دارند و ساختار هویتی‌شان پاره پاره و نامنسجم است (Soenens & et al., 2005). همچنین این دسته از افراد، حل مشکلاتشان را به تعویق می‌اندازند و تمایلی برای مواجه شدن با تعارضات و معضلات ندارند. آنان تحت تأثیر موقعیت رفتاری می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. این نوع سبک هویت با سطح پایین خودآگاهی، هوشیاری و ماندگاری شناختی و با سطح بالای استراتژی‌های شناختی و تصمیم‌گیری‌های ناکارآمد مرتبط است. افرادی که منتسب به سبک هویت اجتنابی / آشفته هستند، معمولاً توان تصمیم‌گیری در آنان ضعیف است، عمدتاً با تعلل و شک رفتار می‌کنند و کنش‌ها و رفتارهای آنان هیجانی و تقریباً بدون ثبات ارزیابی می‌شود. همچنین تکلیف محور و وظیفه محور نیستند و معمولاً تکالیف و وظایف خود را ناقص رها می‌کنند و خود را متعهد و ملزم به انجام آن نمی‌بینند. تمایل به انجام رفتارهای ناهنجار

جستجوی اطلاعات هویتی فعال نیستند و بدون تحقیق و اکتشاف جدی از ساختار هویتی رسمی تبعیت و دفاع می‌کنند. آنان بسیار دفاعی بوده، نسبت به ابهام تحمل کمتری دارند و به ساختار نیاز زیادی دارند. در عین حال، معمولاً کمتر دچار بحران هویت شده و سریع‌تر به مرحله تعهد می‌رسند و از ارزش‌های هویتی کسب شده سرسختانه و متعصبانه دفاع می‌کنند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷ به نقل از: دولینگر، ۲۰۰۲).

هر چند این سبک هویتی با عدم انتخاب و کشف فعالانه، تقلیدگرایی، مقاومت در مقابل تغییرات، سنت‌گرایی^۱ و دنباله روی^۲ پیوندخورده اما عموماً این افراد با وجدان و هدفدار هستند و نسبت به جهان‌بینی و شغل خود احساس تعهد می‌کنند و البته نسبت به اطلاعاتی که ممکن است ارزش‌های شخصی و اجتماعی آنان را به چالش بکشد کاملاً بسته و جانبدارانه عمل می‌کنند (Berzonsky, 1990; 2003; Berzonsky & Kinney, 1995; Berzonsky & Kuk, 2005). هویت این دسته از افراد با هدایت افرادی پرنفوذی همچون معلم، والدین، دوست و یا یک رهبر روحانی، حزبی و سیاسی تعیین می‌شود. آنان به این‌که چرا یک موضع سیاسی خاص دارند، چندان فکر نمی‌کنند و در مقابل شرایط پیش‌بینی نشده که ارزش‌های آنان را به چالش می‌کشد، احساس سردرگمی دارند (اتکینسون، ۱۳۸۰ به نقل از: فرازنده خو، ۱۳۸۷: ۲۰). مطالعات حاکی از آن است که در جوامع سنتی سبک هویتی جوانان و نوجوانان زودرس یا هنجاری است در حالی‌که در جوامع مدرن و در حال‌گذار، گرایش به سمت سبک هویت اطلاعاتی بیشتر است (Solomontos-Kountori & Hurry, 2008).

۳- سبک اجتنابی / آشفته^۳: افراد در طول زندگی خود درجاتی از بحران هویت و آشفتگی و سردرگمی در شناخت و تعریف از خود و دیگری را تجربه می‌کنند. اریکسون (1968) بر این باور است که بحران هویت بیشتر در اواخر دوران نوجوانی روی می‌دهد و از این جهت یک بحران

¹ Conventionality

² Conformity

³ Diffuse/avoidant style

و نامتعارف در میان آنان بالاست. احتمال جذب آنان در فرقه‌ها و گروه‌های فرعی و غیررسمی وجود دارد؛ نسبت به بزرگترها احساس سوء ظن دارند و ارزش‌های فردی و اجتماعی آنان را طرد می‌کنند و نسبت به جهان اجتماعی دید منفی دارند (Sandhu & Tung, 2004).

به نظر می‌رسد هویت ملی نیز با هر یک از سبک‌های مذکور در ارتباط باشد. در واقع، یکی از موضوعاتی که کاوشگری و تعهد جوانان حول آن شکل می‌گیرد و تبدیل به احساس تعلق خاطر و شناخت می‌شود، هویت ملی است. افراد ممکن است بر اساس سبک هویت‌یابی خویش، بر مبنای خلاقیت فردی و کاوش فعالانه به شناخت و پاسخ به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود اقدام کنند (هرمیداس باوند، ۱۳۷۷: ۲) و مرزهای هویتی خود را بر سازند و نسبت به این مرزها احساس تعلق تکلیف و تعهد نمایند و یا این‌که بر اساس الگوهای حاضر، آماده و رسمی در بازشناسایی و تعریف از خود ملی و از دیگران بهره برند و تعهدات سیاسی و اجتماعی خود را طبق هنجارهای مسلط و حاکم نسبت به نمادها و ارزش‌های سرزمینی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و زبانی می‌پذیرند. در عین حال ممکن است هیچ‌گونه تعهد و احساس تعلق نیز شکل نگیرد و افراد در میان ارزش‌ها و نمادهای بومی و ملی و غیر ملی سرگردان شوند و به تعبیر اریک اریکسون فرد در شرایطی قرار بگیرد که نه تنها درباره شناخت خود و پیرامونش مستاصل است بلکه درباره انتظاراتی که جامعه از او دارد و خواست خود، سرگردان و مردد گردد (Erikson, 1970:17-22). به نظر می‌رسد بحران هویت می‌تواند تمام ارزش‌های فردی و اجتماعی و سیاسی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و او را از کلیه تعلقاتی که میراث مادی و معنوی ملی و از نشانگان وجه اشتراک و تمایز او با سایر ملت‌هاست، جدا کند.

در ارتباط با نحوه و چگونگی تأثیر سبک‌های هویتی بر ساخت هویت ملی سه دیدگاه را می‌توان بازشناسایی کرد. در

واقع این سه دیدگاه می‌تواند ساخت هویت ملی را در ارتباط با سبک هویتی نشان دهند. نخست دیدگاهی است که فرآیند هویت‌یابی و ساخت هویت ملی در افراد را وابسته به خلاقیت ذهنی، روانی و اکتشافات فعالانه فردی می‌داند، دوم رهیافتی است که فرآیند هویت‌یابی را در همه سطوح فردی و اجتماعی حاصل دیالکتیک من فاعلی و من مفعولی می‌داند و سوم چشم‌اندازی است که به ساختارها و عاملیت‌های اجتماعی اهمیت بیشتری داده و معتقد است ساخت هویت ملی ریشه کاملاً اجتماعی و هنجاری دارد.

دیدگاه نخست با منظرگاه روان‌شناختی و بر اساس سطح تحلیل فردی، قابلیت‌های ذهن و توانمندی‌های روان‌شناختی کارگزار انسانی را در ساخت هویت پررنگ می‌بیند و هویت را امری فردی و ذهنی توصیف می‌کند لذا سلامت روانی و خلاقیت و هوش عاملی مهم در شکل‌گیری انواع هویت در افراد محسوب می‌شود به طور کلی در این دیدگاه خود جمعی اعم از قومی و ملی و یا هر ساحت جمعی دیگر را لزوماً متأثر از خود فردی^۱ دانسته است (Gaertner & et al., 1999). بر این اساس به نظر می‌رسد تنها سبک اطلاعاتی و مؤلفه‌های آن نقش مهمی در تبیین هویت ملی افراد داشته باشد.

دیدگاه میانه‌تر که متعلق به روان‌شناسان اجتماعی و فرهنگی و نیز مکتب کنش متقابل نمادین^۲ است، هویت‌یابی و فرآیند شکل‌گیری انواع هویت اجتماعی از جمله هویت ملی را در جدال عاملیت فعال و ساختارهای اجتماعی برساخته می‌یابد. آنان معتقدند منابع هویتی نمی‌تواند صرفاً در درون مغز و یا جسم قرار گیرد و هیچ تفکر، قضاوت، ارزیابی و هویتی به لحاظ روش‌شناختی نمی‌تواند از پایگاه‌ها و بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی خود مجزا باشد (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). لذا به زعم لوریا^۳ (1981)، محققان به منظور تبیین اشکال پیچیده هویت انسانی باید به فراسوی ارگانسیم انسانی حرکت کنند. آنان باید بنیان‌های آگاهی و هویت را نه در فرایندهای ذهن انسان و نه در اعماق روح بلکه در شرایط بیرونی از قبیل

¹ Individual self

² Symbolic Interaction Perspective

³ Luria

اشکال اجتماعی و تاریخی زندگی جستجو کنند.

در چارچوب مکتب کنش متقابل نمادین، هویت و انواع آن (هویت ملی) همچون سایر پدیده‌های اجتماعی در دیالکتیک میان «خودپنداری» و «تصور عامه» تصویری از «خود» و «ما» در مقابل دیگری یا دیگران می‌سازد که در آن نه تنها خودمان را شناسایی می‌کنیم بلکه دیگران را نیز می‌شناسیم و توسط آن‌ها نیز شناخته می‌شویم (Jenkins, 1996:15). خودپنداری، I یا من فاعلی معرف کارگزاری خلاق، نوآور و سازنده است که مسیر و بایدهای و نبایدهای هویتی خود را در سطح فردی و اجتماعی تعیین می‌کند. تقویت این جنبه در فرد با پایگاه اطلاعاتی همسو و هم معنا می‌شود در حالی که me یا من مفعولی تحت تأثیر شرایط زمینه، زمانه و تاریخ و نیز ارتباطات، تعاملات و جریان‌های متنوع اجتماعی بخش نوآور و خلاق «خود» را تعدیل (دوران و محسنی، ۱۳۸۶: ۸۹) و هنجارها و مؤلفه‌های هویتی از جمله هویت ملی را از چشم سایر منابع هویت‌ساز کسب می‌کند.

برخی نظریات در مکتب کنش متقابل و بسیاری از نظریات جامعه‌شناختی نظیر «نظریه هویت اجتماعی»^۱، تأثیر ساختارهای معنا‌ساز بیرونی و هنجارهای القایی و بازتابی آن‌ها را بیشتر از عاملیت درونی، خودبسندگی و تجارب خلاقانه ذهنی ارزیابی می‌کنند. تحقیقات «کان» از چهره‌های شاخص «تعامل‌گرایی ساختی» در مکتب کنش متقابل، نشان داد افراد قبل از آن‌که خود را به تنهایی و شخصی بشناسند خود را در حالت‌های دیگران نسبت به خود شناسایی کرده‌اند (دوران) به بیان دیگر افراد ابتدا نسبت به هویت اجتماعی‌شان و در مواجهه و تماس با دیگران (قوم، ملت، مذهب و جنسیت) خودآگاهی و شناخت پیدا می‌کنند و پس از آن است که هویت نیمه اجتماعی‌شان یعنی جهان خصوصی و فردی‌شان را کشف و بروز می‌دهند (دوران و محسنی، ۱۳۸۶: ۹۳). لذا سبک هویت‌یابی هنجاری با ساخت هویت ملی نزدیکی بیشتری دارد.

ایده‌های نظریه هویت اجتماعی نیز تلویحاً میان

هویت‌یابی هنجاری و هویت ملی ارتباط بیشتری می‌بیند و خلاقیت فردی و شخصی را در جهت‌دهی به آن کمرنگ می‌داند. به نظر تاجفل^۲ یکی از نظریه‌پردازان شاخص این رویکرد، هویت اجتماعی فرد (اعم از ملی، دینی و ..) به وسیله گروهی که به آن احساس تعلق دارد تعیین می‌شود. به عبارت دیگر هویت اجتماعی در سطوح مختلفش، تابع ترجیحات درون گروهی و میزان تعلق اجتماعی است (Turner, 1998:34). برای نمونه در مبحث هویت ملی، درون گروهی به نام ملت وجود دارد که فرد درون آن با غلبه بر تمایزات قومی و فرهنگی موجود، احساس مثبت و طرفداری نسبت به گروه ملی ابراز می‌کند. در واقع هویت ملی ناشی از سوگیری درون گروهی و کشمکش اجتماعی ملازم با آن است. به عقیده تاجفل و ترنر عضویت در یک گروه به تقویت همزاد پنداری و شکل‌گیری نوعی طبقه‌بندی شخصی در انسان منجر می‌شود و حتی عضویت ساده نیز سبب می‌شود اعضای آن گروه در هر موقعیت و شرایطی جانب گروه و اعضای آن‌را بگیرند (Turner, 1998:34).

جنکینز نیز ساخت هویت ملی را در چارچوب گروه‌های ثانویه تبیین می‌کند و معتقد است دو دسته هویت اولیه و ثانویه قابل تصور است: انواع هویت اولیه مانند هویت قومی که حاصل تعاملات فرد با گروه‌های نخستین همانند خانواده و همسالان هستند. اما هویت‌های ثانویه همچون هویت ملی، بیشتر تحت تأثیر تعاملات اجتماعی در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند. هویت‌های ثانویه نسبت به هویت‌های اولیه در مقابل تغییر و دگرگونی بسیار نیرومندتر و سرسخت‌تر هستند زیرا در فرایندی بسیار دشوار ایجاد می‌شوند و تنها قدرت سیاسی می‌تواند آن‌را تغییر دهد و یا به ایجاد آن اهتمام ورزد (Jenkins, 1996:19-28).

ماهیت اجتماعی و غیرشخصی^۳ ساخت هویت ملی به شکل و بیان دیگری مورد توجه کنت بارک و برونر است. بارک معتقد است هویت ملی بازتاب و بازگشتی از ساختار

² Tajfel

³ Self- depersonalization

¹ Social Identity Theory

شهروندان به این اصول به معنای حفظ هویت ملی است و گذار و بی‌اعتنایی به آن مترادف با بحران هویت ملی خواهد بود (افتخاری، ۱۳۸۶: ۲۵).

فرضیات پژوهش

سبک هویت‌یابی اجتنابی / آشفته بر هویت ملی تأثیرگذار است.

سبک هویت‌یابی اطلاعاتی بر هویت ملی تأثیرگذار است.

سبک هویت‌یابی هنجاری بر هویت ملی تأثیرگذار است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان ترم سال تحصیلی ۹۳-۹۴ هستند. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار Sample power استفاده شد که با توجه به حجم اثر بالا، حجم نمونه ۱۲۴ نفر با توان ۸۵٪ کافی به نظر می‌رسید اما به منظور افزایش دقت ۲۷۴ نفر مورد آزمون قرار گرفتند که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسش‌نامه‌ها، نهایتاً ۲۴۴ پرسشنامه مورد تجربه و تحلیل قرار گرفته است. از این تعداد ۱۱۲ نفر مرد و ۱۱۹ نفر زن بودند. ۱۳ نفر از پاسخگویان جنسیت خود را در پرسشنامه مشخص نکرده بودند. این افراد به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. با این توضیح که در مرحله نخست از میان دانشکده‌های دانشگاه اصفهان سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب و سپس در مرحله دوم از میان هر کدام از این دانشکده‌ها چند کلاس به شکل تصادفی به عنوان خوشه دوم مشخص و پرسشنامه‌ها بخش شد. در این پژوهش حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۸ سال تا ۳۴ سال و میانگین سنی آنان ۲۲٫۹۶ برآورد گردید. سطح تحصیلات پاسخگویان نیز شامل ۱۰۵ نفر دانشجوی کارشناسی، ۶۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۶۸ نفر دانشجوی دکتری است.

اجتماعی-زبانی معین بوده و «موقعیت‌های»^۱ زمانی و مکانی و ساختار شفاهی غالب، آن را تعیین می‌کند. در واقع هویت ملی ماهیتی الگو شده و نهادینه شده، باز جعلی، تقلیدی و بسیج شده بر اساس و منطبق با خطوط فرهنگ حاکم و مراکز قدرت است (Burke, 1974:253) در این راستا برونر معتقد است هویت ملی ماهیت «بلاغی»^۲ دارد و از مسیر ساختارهای زبانی حاکم و در دیالوگ و گفتگوهای رسمی و عمومی که توسط قدرت سیاسی حمایت می‌شود، ایجاد و بازتولید می‌شود لذا برونر تلاش کرد روابط پیچیده میان سخنرانی عمومی و ساخت هویت ملی را نشان دهد. برای نمونه توضیح داد که چگونه دولت آلمان در سال‌های پایانی جنگ سرد هویت ملی را از طریق حذف خاطرات دردناک ناسیونال-سوسیالیسم در جنگ جهانی دوم و ترویج نقش پیشتازی آلمان غربی در سرمایه‌داری دموکراتیک دستکاری کرده است. در این منظر، هویت ملی محصول ابتکارات خطابی و سخنرانی دولتمردان است (Bruner, 2002:90-93). این نکته نشان می‌دهد سبک هویتی هنجاری ارتباط نزدیکی با هویت ملی دارد و دولت‌ها از طریق این سبک می‌توانند اسطوره، روایت و نمادهای مطلوب خود را وارد ذهنیت عمومی کرده و با ایجاد و دستکاری خود ملی به اتحادها و دشمنی‌ها با سایر ملت‌ها شکل دهند.

در راستای استدلال برونر و بورک می‌توان معیار بحران یا عدم بحران هویت ملی را نیز توضیح داد. افتخاری معتقد است اگر قدرت سیاسی تعریف خاصی از مؤلفه‌های هویت ملی در نظر داشته و آن را تعریف و ترویج کند و شهروندان تحت تأثیر سایر منابع هویت‌ساز از آن روی گردان شوند، احساس تعلق نسبت به آن نداشته باشند و مؤلفه‌ها و مقولات دیگری را دستاویز معرفی خود سازند، جامعه دچار بحران هویت ملی شده است. به عبارت دیگر هر واحد ملی و سیاسی پاره‌ای از اصول ایدئولوژیک و مادی را به عنوان هویت خویش تعریف کرده است و الزام و احساس تعلق

¹ Situations

² Rhetorical Construction

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از دو پرسشنامه محقق ساخته هویت ملی و پرسشنامه استاندارد سبک‌های هویتی‌یابی استفاده شده است:

پرسشنامه هویت ملی: برای سنجش هویت ملی در میان دانشجویان، از پرسشنامه ۲۴ سؤالی با مقیاس لیکرت استفاده شد که مبنای ساخت و طراحی آن، مدل ربانی و همکاران (۱۳۸۸ الف) است. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح و پس از بحث و بررسی تعداد ۲۴ سؤال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۳۰ نفری (۱۵ پسر و ۱۵ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. سؤالاتی مانند «تاریخ و تمدن ایران را پر شکوه، افتخار و عظمت می‌دانم»، «حکومت مستقل ما مایه افتخار ماست. حتی اگر اشتباهاتی داشته باشد»، «علم و دانش امروزی مدیون تلاش اندیشمندان ایرانی همچون ابن‌سینا و ابوریحان بیرونی است» و «دوست دارم برای توسعه کشورم تلاش کنم و مفید باشم» از آن جمله‌اند. در این پژوهش، ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ بوده است. محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی برخوردار است و در چهار بعد هویت فرهنگی - اجتماعی، سرزمینی، سیاسی و تاریخی؛ هویت ملی را می‌سنجد. نحوه نمره‌گذاری هر سؤال نیز بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) انجام شد.

پرسشنامه سبک‌های هویتی‌یابی: برای سنجش سبک‌های هویتی‌یابی از ترجمه فارسی پرسشنامه استاندارد برزونسکی (۱۹۹۲) موسوم به (ISI-6G) استفاده شد (غضنفری، ۱۳۸۳). پرسشنامه‌ای ۴۰ سؤالی که در مقیاس لیکرت (۵ درجه‌ای از ۱ کاملاً موافقم تا ۵ کاملاً مخالفم) تنظیم و از طریق آن ۴ خرده مقیاس سبک اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی و میزان تعهد (این سنجش سبک هویتی محسوب نمی‌شود و از آن در تحلیل ثانویه استفاده می‌شود) سنجیده شد. به علاوه در مجموع ۱۱ سؤال از ۴۰ سؤال مذکور به صورت معکوس نمره‌گذاری

گردید. برخی گویه‌های این پرسشنامه از این جمله‌اند: «با توجه به ارزش‌هایی که با آن‌ها بزرگ شده‌ام عمل می‌کنم»، «درباره مسائل پیشاپیش نگران نیستم و هر زمان که اتفاق افتاد تصمیم می‌گیرم»، «درست نمی‌دانم که در مورد مذهب چه عقیده‌ای دارم»، «درباره موضوعات سیاسی و فهم آن‌ها وقت زیادی صرف کرده‌ام»، «دوست دارم اعتقادات ثابت داشته باشم نه آن‌که آماده پذیرش نظرهای تازه باشم» و «افراد برای یک زندگی پربار به تعهد به مجموعه‌ای از ارزش‌ها نیاز دارند». ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد مذکور به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۷۸ و ۰/۵۸. محاسبه و این ضریب برای کل پرسشنامه هویتی‌یابی ۹۰ درصد است که گویه‌ها از پایداری دورنی مناسبی برای انجام پژوهش برخوردارند.

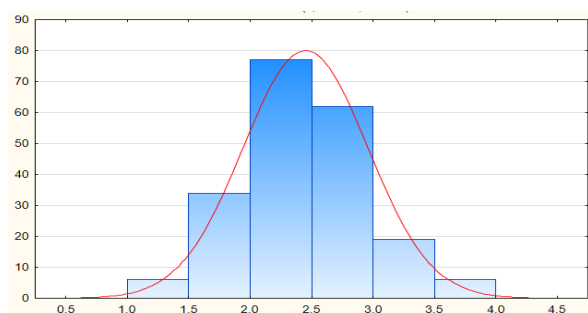
یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول ۱ انحراف استاندارد و میانگین نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از سنجش‌های سبک‌های هویتی نشان می‌دهد. میانگین سبک اطلاعاتی ۲/۳۱۰۴ سبک هنجاری ۲/۴۱۳۸ و خرده مقیاس تعهد ۲/۷۲۹۵ به دست آمده که از حد متوسط نمره ۳ کمتر است. در مقابل نمره میانگین سبک اجتنابی اندکی از حد متوسط بالاتر و میزان آن ۲/۰۷۰۳ می‌باشد. به این ترتیب از بین سبک‌های هویتی، بالاترین میزان میانگین متعلق به سبک اجتنابی است و پس از آن، دو سبک هنجاری و اطلاعاتی با فاصله‌ای اندک از یکدیگر قرار دارند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیر سبک‌های هویتی‌یابی

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
۲۲۷	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۳۱۰۴	۰/۵۹۲۷۸
۲۱۴	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۴۱۳۸	۰/۶۵۷۴۲
۲۰۹	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۷۰۳	۰/۷۳۰۴۴
۲۰۱	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۷۲۹۵	۰/۵۴۸۲۱



نمودار هیستوگرام متغیر وابسته

یافته‌های استنباطی

جدول ۳ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از سبک‌های هویتی را به طور جداگانه با هویت ملی نشان می‌دهد. بر این اساس، تمام همبستگی‌ها بین سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری با ابعاد هویت ملی در سطح $(p < 0/01)$ معنی‌دار است. از سوی دیگر سبک اجتنابی با ابعاد هویت ملی به جز مؤلفه سیاسی آن رابطه معنی‌داری ندارد. همچنین بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه سبک هنجاری با هویت سیاسی و کمترین میزان مربوط به رابطه سبک اجتنابی با هویت جغرافیایی است.

جدول ۲ انحراف استاندارد و میانگین نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد هویت ملی را بازگو می‌کند. میانگین ابعاد هویت ملی با مقدار به ترتیب ۲/۳۲۲۱، ۲/۲۱۲۴، ۲/۹۶۰۸ و ۲/۲۷۹۹ و نیز مقدار نمره کل نشان می‌دهد میانگین متغیر هویت ملی در میان دانشجویان کمتر از حد متوسط است.

جدول ۲- یافته‌های توصیفی متغیر هویت ملی

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
۲۱۵	۱/۱۷	۴/۰۸	۲/۳۲۲۱	۰/۵۷۸۲۲
۲۳۷	۱/۰۰	۴/۶۷	۲/۲۱۲۴	۰/۷۷۸۳۵
۲۳۸	۱/۰۰	۴/۸۳	۲/۹۶۰۸	۰/۸۱۵۵۵
۲۳۷	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۲۷۹۹	۰/۷۶۵۲۷
۲۰۴	۱/۲۱	۳/۸۳	۲/۴۳۸۹	۰/۵۰۸۹۴

(کل)

نمودار هیستوگرام متغیر وابسته نیز، حکایت از نرمال بودن توزیع داده‌ها دارد. لذا این تحقیق یکی از مهم‌ترین پیش فرض‌های اساسی آزمون‌های پارامتریک را داراست.

جدول ۳- بررسی ضرایب همبستگی و سطح معناداری سبک‌های هویتی و مؤلفه‌های هویت ملی

فرهنگی	جغرافیایی	سیاسی	تاریخی	هویت ملی
همبستگی پیرسون	۰/۳۸۴**	۰/۳۰۵**	۰/۳۹۲**	۰/۴۰۸**
سبک اطلاعاتی	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۲۰۴	۲۲۴	۲۲۶	۱۹۴
همبستگی پیرسون	۰/۴۰۶**	۰/۳۵۸**	۰/۵۵۹**	۰/۵۲۶**
سبک هنجاری	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۱۹۲	۲۱۱	۲۱۳	۱۸۲
همبستگی پیرسون	۰/۰۹۸	۰/۰۳۷	۰/۲۷۳**	۰/۰۹۷
سبک اجتنابی	سطح معناداری	۰/۱۷۲	۰/۵۹۳	۰/۱۸۵
تعداد	۱۹۷	۲۰۶	۲۰۸	۱۸۷

۰/۵۶ است و ضریب تعیین ۰/۳۱، نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت ملی از روی ابعاد سبک‌های هویتی است.

جدول زیر نشان می‌دهد که مقدار همبستگی چندگانه (R) سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی با هویت ملی

جدول ۴- مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت ملی از ابعاد سبک‌های

هویتی					
Model Summary ^b					
مدل	R	ضریب	ضریب	برآورد	دوربین
		تعیین	تعیین	خطای	واتسون
			تعدیل یافته	استاندارد	
۱	۰/۵۶۲	۰/۳۱۵	۰/۳۰۳	۰/۴۳۳۱۷	۱/۶۰۵

جدول ۵ یعنی جدول آزمون آنوا نشان می‌دهد با توجه به مقادیر F و سطح معناداری $p < ۰/۰۰۱$ ، برآزش کلی مدل رگرسیونی و میزان باقیمانده‌های مدل در حد قابل قبولی است.

جدول ۵- آزمون آنوا

آزمون آنوا						
مدل	مجموع	درجه	میانگین	مقدار	سطح	معناداری
	مجذورات	آزادی	مجذورات			
۱	رگرسیون	۳	۴/۸۶۹	۲۵/۹۵۱	۰/۰۰۰	
	باقیمانده	۱۶۹	۰/۱۸۸			
	کل	۱۷۲				

مدل از توان لازم برای پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته برخوردار هستند. با توجه به مقدار R^2 به دست آمده، این دو می‌توانند تا ۳۱ درصد هویت ملی را تبیین کنند. از سوی دیگر وضعیت هم‌خطی دو متغیر مستقل نشان می‌دهد پژوهش با مشکل هم‌خطی روبرو نیست زیرا شاخص تولرانس در تمامی متغیرها بالای ۰,۲ و میزان عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ آمده است.

بر اساس جدول ۶ یعنی مقادیر مدل رگرسیونی، هر دو متغیر مستقل وارد شده در مدل (سبک‌های هنجاری و اجتنابی) دارای مقدار t معنی‌داری هستند. همچنین ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهد سبک هنجاری پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری برای هویت ملی است و این تبیین هم‌افزا و مثبت است. در حالی‌که وزن Beta در سبک هویتی اجتنابی کمتر و البته منفی و به میزان $-۰/۱۷۱$ به دست آمده است. بر این اساس دو سبک هنجاری و اجتنابی وارد شده در

جدول ۶- ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای هر سبک هویتی یابی بر هویت ملی

Model	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	سطح معنی‌داری	آمار هم‌خطی
	B	بتا		سطح اغماض	VIF
۱ (Constant)	۰/۱۶۹	۱/۴۸۴	۸/۷۸۲	۰/۰۰۰	
اطلاعاتی	۰/۰۸۳	۰/۱۳۰	۱/۵۶۳	۰/۱۲۰	۲/۰۰۵
هنجاری	۰/۰۷۹	۰/۴۳۲	۵/۴۴۶	۰/۰۰۰	۲/۱۳۲
اجتنابی	۰/۰۴۹	-۱/۲۰	-۲/۴۲۳	۰/۰۱۶	۱/۲۲۸

بحث و نتیجه

سرنوشت سیاسی، اقتصادی و تداوم امنیت سرزمینی مرکز توجه این نوشتار قرار گرفت و تلاش شد یکی از جنبه‌های کمتر مطالعه شده آن یعنی تأثیر سبک‌های هویتی بررسی شود.

هویت ملی به عنوان هویت محوری^۱ و به سبب امتزاج آن با

^۱ Core identity

(۱۳۹۱) و دهستانی و همکاران (۱۳۹۱) نقش این سبک بر متغیرهایی نظیر پیشرفت تحصیلی، انعطاف پذیری، تعهد، معنای زندگی و دینداری در گروه‌های مختلف اجتماعی به اثبات رسیده است.

به این ترتیب نظریات جنکینز (1996)، بارک (1974) و پرونر (2002) که هویت ملی را ساختی الگو شده، نهادینه شده، باز جعلی، تقلیدی و بسیج شده بر اساس و منطبق با خطوط فرهنگ حاکم و مراکز قدرت ارزیابی می‌کنند و نیز آن دسته از رویکردهای کنش متقابل نمادین که خودآگاهی و شناخت ملی را متأثر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دانسته و نقش خلاقیت فردی و ذهنی را در ساخت هویت کمرنگ می‌دانستند؛ با نتیجه مذکور همخوانی دارند. لذا نقش، قدرت‌های سیاسی و اجتماعی، گروه‌های مرجع، والدین، مراکز آموزشی و فرهنگی در ساختن اسطوره، روایت و نمادهای مطلوب ملی سرزمینی بسیار بالاست و می‌توانند معانی خود را وارد ذهنیت افراد کنند و به ایجاد یا دستکاری «خود ملی»، در جهت منافع ملی جهت بخشند. به بیان جنکینز (1996) این مسأله توسط قدرت سیاسی می‌تواند مدیریت شود و خلاقیت ذهنی و خودبسندگی که در سبک اطلاعاتی مجموع است؛ به تنهایی در ساخت هویت ملی سازنده نیست. از دیگر نتایج قابل بحث در این تحقیق میزان سبک اجتنابی در میان جوانان دانشجویان که با نتایج کروگر و همکاران (2010)، حجازی و فارسی‌نژاد (۱۳۹۰)، وجودی و همکاران (۱۳۹۴) و دهستانی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. همان‌طور که داده‌ها نشان داد میزان این سبک به نسبت دو سبک دیگر بیشتر و از حد متوسط بالاتر است. سبکی که در جهت کاهش هویت ملی عمل می‌کند زیرا فردی که بحران‌های حل نشده دوران نوجوانی را با خود به دوران جوانی و بزرگسالی می‌برد، مجموعه رفتارهایی از خود بروز می‌دهد که تعهد و احساس مثبت به مؤلفه‌های هویت ملی را بازگو نمی‌کند. این دسته از افراد، ثبات شناختی نسبت به ارزش‌های ملی و اجتماعی ندارد، نسبت به حل معضلات و

تجزیه و تحلیل داده‌های تجربی نشان داد بر اساس ضریب تعیین محاسبه شده، سبک‌های هویتی تا ۳۱٪ قابلیت تبیین واریانس‌های هویت ملی را دارند. اما این مسأله که کدام سبک‌ها و با چه جهت‌گیری این میزان را تعیین می‌کنند، توسط مدل رگرسیونی محاسبه گردید. بر اساس مدل، از میان سه متغیر پیش‌بینی‌کننده، تنها سبک اطلاعاتی با هویت ملی رابطه معناداری به لحاظ آماری ندارد و به ترتیب دو سبک دیگر یعنی هنجاری و اجتنابی می‌تواند تا حدود ۳۱ درصد از واریانس هویت ملی دانشجویان را تبیین کنند. از این مقدار سهم سبک هنجاری قابل توجه و در جهت هم‌افزایی با هویت ملی است به نحوی که این سبک به تنهایی می‌تواند تا ۵۰ درصد این مفهوم را توضیح دهد در حالی که سبک اجتنابی، کاهنده میزان هویت ملی دانشجویان ارزیابی شده است.

این نتایج در درجه اول گویای اهمیت سبک هویت‌یابی هنجاری در کسب ارزش‌های ملی و سرزمینی و تعهد سیاسی و اجتماعی در چارچوب مفهوم ملت است. دانشجویانی که در تعیین کیستی و چیستی اجتماعی به ویژه هویت ملی خود از منابع رسمی و افراد ذی‌نفوذ بهره می‌برند، میزان هویت ملی‌شان یعنی آگاهی، تعهد، احساس تعلق خاطر نسبت به فرهنگ، زبان، ادبیات، تمامیت سرزمینی، نظام سیاسی و تاریخ کشورشان، بالاتر از دیگران است. هرچند این دسته افراد به لحاظ فردی و اجتماعی، افرادی دفاعی، دنباله‌رو و تقلیدگرا، سنتی و کم‌همت در جستجوی خلاقانه و فعالانه معنا و ارزش‌های زندگی ارزیابی می‌شوند لیکن معین و مشخص بودن اهداف فردی و اجتماعی‌شان، مسؤولیت‌پذیری و وجدان بالا نسبت به تکالیف و تعهدات اجتماعی‌شان، به نفع هویت ملی و نظام سیاسی خواهد بود. هر چند که این احساس و آگاهی را از رهنمودهای والدین، معلم، استاد، نهادهای حاکمیتی و یا یک شخص با نفوذ اجتماعی کسب کرده باشند. در تحقیقات حجازی و همکاران (2009)، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۰)، حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸)، خباز و همکاران (۱۳۸۹)، بهادری خسروشاهی و محمود علیلو

ارزش‌های ملی نه تنها نیازمند استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز آموزشی و دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است بلکه عرصه هنر نیز نقش مهمی در مدیریت تصویر دلخواه ملی دارد. به نظر می‌رسد این همه در کنار توجه و مدیریت ویژه حاکمیتی و سیاسی تحقق پذیر است.

منابع

- ابوالحسنی، ر. (۱۳۸۸). «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)»، سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۲، ص ۲۳-۴۹.
- اسکیان، پ. و چنگیزی، ف. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران»، چهارمین سمینار بهار/شت روانی دانشجویان، شیراز: دانشگاه شیراز.
- افتخاری، ا. (۱۳۸۶). کالبد شکافی هویتی مبانی بحران‌ها و راهکارها، در کتاب: علی‌اکبر علیخانی، مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- امیرکافی، م. و حاجیانی، ا. (۱۳۹۲). «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، راهبرد، س ۲۲، ش ۶۶، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- بهادری خسروشاهی، ج. و محمود علیلو، م. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان»، مطالعات روان‌شناختی، ش ۳۱، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- پای، ل. د.؛ کلمن، ج. ا.؛ بایندر، ال.؛ لاپالمبارا، ج. و وربا، ا. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم: غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مشکلات فردی و اجتماعی بی‌خیال هستند و عموماً تکالیف و مسئولیت‌های خود را نیمه‌کاره رها می‌کند. به علاوه غالب رفتارها و کنش‌های او هیجانی و برحسب موقعیت است و از زیربنای فکری و ارزشی تهی است. از آن‌جا که پایه سبک آشفته در دوره نوجوانی و گذار ناموفق از بحران‌های این دوره گذاشته می‌شود، لازم است عوامل زمینه‌ساز گرایش افراد به این نوع سبک هویتی واکاوی بیشتری شده و در مجموعه‌ای از پژوهش‌های کیفی و کمی مورد توجه قرار گیرد. با این وجود آنچه در نظریات در تعمیق بحران هویت و ناموفق بودن فرد در بازشناسایی چیرستی فردی و جمعی او مؤثر است، تناسب و تجانس نداشتن ساختارهای فرهنگی حاکم بر ارزش‌ها و هنجارهای جاری در میان نسل‌های جوان و تحصیل کرده است که در ایجاد زبان مشترک از ارزش‌ها و نمادهای رسمی جلوگیری می‌کند و به این ترتیب جوان و دانشجوی ایرانی نمی‌تواند معانی، مفاهیم و قرائت رسمی از هویت جمعی و ملی را به خوبی درک و نسبت به آن متعهد شود.

نکته مهم و پایانی این تحقیق برآورد میزان پایین هویت ملی در میان دانشجویان است. این مسأله معلول علل و عوامل مختلفی است که این پژوهش بخشی از آن را بازنمایی کرد و نشان داد سبک اجتنابی در کاهش میزان هویت ملی دانشجویان مؤثر است. اگر فرد در پذیرش یا رد ارزش‌ها و اسطوره‌های ملی و سرزمینی سردرگم و بلاتکلیف است، به نظر می‌رسد بخشی از این بلاتکلیفی ناشی از عملکرد نهادها و منابع هویت ساز باشد. عملکرد ناهماهنگ؛ تقابلی و کمرنگ نهادهای اجتماعی، سیاسی و مراجع با نفوذ اجتماعی (خانواده، مدرسه، دانشگاه و مراجع فرهنگی، دینی و حاکمیتی)؛ در کنار فقدان جذابیت و خلاقیت سمعی و بصری لازم؛ از ارزش‌های ملی بسته ای پیش روی نوجوان و جوان ایرانی قرار داده که میل و انگیزه‌ای برای مصرف و نهادینه کردن آن در مجموعه احساسات و آگاهی‌های افراد باقی نمی‌گذارد. اهتمام به افزایش گرایش دانشجویان و جوانان به آرمان‌ها، سبب‌ها و

- حاجیان، ا. (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۹۳-۲۲۸.
- حجازی، ا. و فارسی‌نژاد، م. (۱۳۹۰). «سبک‌های پردازش هویت تعامل جنسیت و فرهنگ»، *فصلنامه تحقیقات زنان*، سال ۵، ش ۲، ص ۳۰-۴۸.
- حسینی‌نسب، د.؛ پورشریفی، ح. و محمدی، و. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با انواع هویت در دانش‌آموزان دختر سوم راهنمایی شهر تبریز سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸»، *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، دوره ۲، ش ۶، ص ۸۱-۹۸.
- حقیقتیان، م.؛ غضنفری، ا. و تکه‌اکبرآبادی، پ. (۱۳۹۰). «هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه اصفهان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۸۶.
- خباز، م.، سعدی‌پور، ا. و فرخی، ن. (۱۳۸۹). «آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان»، *روان‌شناسی تربیتی*، دوره ۶، ش ۱۶، ص ۱۲۷-۱۴۵.
- دوران، ب. و محسنی، م. (۱۳۸۶). *هویت، رویکردها و نظریه‌ها*، در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دهستانی، م.؛ زاده‌محمدی، ع. و محمدی، س. (۱۳۹۱). «بررسی میزان دینداری و ارتباط آن با شبکه‌های هویت دانشجویان»، *علوم رفتاری*، دوره ۶، ش ۲، ص ۱۷۱-۱۷۹.
- ربانی، ع.؛ یزدخواستی، ب.؛ حاجیان، ا. و میرزایی، ح. (۱۳۸۸ الف). «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، *مطالعات ملی*، سال ۸، ش ۳۹، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- ربانی، ع.؛ ربانی، ر. و حسنی، م. (۱۳۸۸ ب). «رسانه‌های جمعی و هویت ملی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)*، دوره ۱۶، ش ۲، ص ۶۵-۹۳.
- شهرام‌نیا، م.؛ مهربانی کوشکی، ر. و پوررنجبر، م. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۳، ش ۹، ص ۱۲۱-۱۴۱.
- طباطبایی، ن.؛ طباطبایی، ش.؛ کاکایی، ی. و محمدی، آ. (۱۳۹۰). «رابطه سبک‌های هویت و مسؤولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران»، *پژوهش رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، ش ۴۴، ص ۲۳-۴۲.
- عبداللهی، م. (۱۳۷۴). «بحران هویت جمعی و دینامیسم مکانیزم تحول آن در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران و جهان»، *نامه پژوهش*، ش ۲ و ۳، ص ۱۳۵-۱۶۱.
- غضنفری، ا. (۱۳۸۳). «اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (6G - ISI)»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۱۷، ص ۸۱-۹۶.
- فرزانه‌خو، ص. (۱۳۸۷). *رابطه عملکرد خانواده و پایگاه هویت دانش‌آموزان دختر دوره دبیرستان شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کاظمی، ف. و نادری، ح. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و مازنی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، سال ۳، ش ۱۲، ص ۷۹-۹۲.

- & Kinney, A. (1995) *Identity style and need for cognitive closure*. Paper presented at the biennial meeting of the society for research on identity formation, Dog Island FL.
- (2003) "Identity Style and Well-Being: Does Commitment Matter?", *An International Journal of Theory and Research*, 3(2): 131-142.
- & Kuk, L.S. (2005) "Identity Style, Psychological Maturity, and Academic Performance", *Personality and Individual Differences*, 39(1): 235-247.
- Burke, K. (1974) *The philosophy of literary form*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Bruner, M. L. (2002) *Strategies of Remembrance: The Rhetorical Dimensions of National Identity Construction*, Columbia: University of South Carolina Press.
- Byrd, B. (2005) "Identity Development in First-Generation College Student. The Influence of Perceived Family Functioning and Cognitive Flexibility", *International Journal of Academic Research in Applied Science*, 2(6): 8-17.
- Cramer, P. (2004) "Identity Change in Adulthood: The Contribution of Defense Mechanisms and Life Experiences", *Journal of Research in Personality*, 38:280-316.
- Crocetti, E. Rubini, M. Berzonsky, M.D. Meeus, W. (2009) "Brief Report: The Identity Style Inventory - Validation in Italian Adolescents and College Students", *Journal of Adolescence*, 32: 425-433.
- Erikson, E.H. (1968) *Identity: Youth and Crisis*, New York: Norton.
- Erikson, E.H. (1970) "Identity crisis in perspective". In E. H. Erickson (Ed.), *Life history and the historical moment: Diverse Presentations*, New York: Norton
- Gaertner, L. & Sedikides, C. Graetz, K. (1999) "In Search of Self-Definition: Motivational Primacy of the Collective Self, or Contextual Primacy?", *J. Pers. Soc. Psychol*, 76: 5-18.
- Hejazi, E. Shahraray, M. Farsinejad, M. Asgary, A. (2009) "Identity Styles and Academic Achievement: Mediating Role of Academic Self-Efficacy", *Social Psychology of Education*, 12:123-135.
- Jamali, R. (2015) "National identity, crises of legitimacy and penetration of social networks", Online Arab Spring, Social Media and Fundamental Change, p:11-20
- Jenkins, R. (1996) *Social Identity*, London: Routledge.
- مسعودنیا، ح؛ مهربایی کوشکی، ر. و کیانی، ن. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه هویت ملی و قومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)»، *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، دوره سوم، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۶۵.
- نساج، ح؛ مهربایی کوشکی، ر؛ رهبرقاضی، م. و پوررنجبر، م. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر هویت ملی: نمونه مورد مطالعه: شهروندان شهر کرمان»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۱-۲۲.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۸۶). *بحران هویت در نوجوانان*، در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وجودی، ب. و هاشمی، ت.؛ عبدالپور، ق.؛ ماشینچی عباسی، ن. (۱۳۹۴). «پیش‌بینی ایده‌پردازی خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت»، *روان‌شناسی معاصر*، ش ۱۰، دوره ۱، ص ۴۷-۵۶.
- هرمیداس باوند، د. (۱۳۷۷). «چالش‌های برون و هویت ایرانی در طول تاریخ»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۱۲۹ و ۱۳۰، ص ۲۰-۳۱.
- Adams, G.R. Berzonsky, M.D. (2003) *Blackwell Handbook of Adolescence*, Oxford: Blackwell.
- Beasley, Ch. Bulbeck, Ch. and McCarthy, G. (2009) "Ambivalent Globalization, Amorphous Vulnerable Nationalism: Considering Debates about Nation and National Positioning within the Global from the Point of View of Young Australians", *Journal of Sociology*, 46 (1): 5-25.
- Berzonsky, D.M. (1990) "Self-Construction over the Life-Span: A Process Perspective on Identity Formation". In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in Personal Construct Psychology*, 1: 155-186.
- (1992) "Coping Strategies and Identity Styles", *Journal of Personality*, 60(4): 771-788.

- Kroger, J. & Green, K.E. (1996) "Events Associated with Identity Status Change", *Journal of Adolescence*, 19: 477-490.
- . & Haslett, S.J. (1988) "Separation Individuation and Ego Identity Status in Late Adolescence : A Two Year Longitudinal Study", *Journal of Youth and Adolescence*, 17:59-79.
- Luria, A.R. (1981) *Language and cognition*, New York: Wiley.
- Marcia, J.E. (1966) "Development and Validation of Ego Identity Status", *Journal of Personality and Social Psychology*, 3: 551-558.
- (1979) "*Identity in adolescence*", In J.Adelson (Ed.), *Handbook of adolescent psychology*, New York: Wiley.
- Meeus, W. Iedema, J. Helsen, M. & Vollebergh, W. (1999) "Patterns of Adolescent Identity Development: Review of Literature and Longitudinal Analysis", *Developmental Review*, 19: 419-461.
- Rodriguez, L. Schwartz, S.J. and Whitbourne, S.K. (2010) "American Identity Revisited: The Relation Between National, Ethnic, and Personal Identity in a Multiethnic Sample of Emerging Adults", *Journal of Adolescent Research*, 25:324-349.
- Sandhu, D. & Tung, S. (2004) "Contributions of Family Environment and Identity Formation Towards Adolescents Alienation", *Pakistan Journal of Psychological Research*, 19(1-2):1-14.
- Solomontos-Kountouri, O. Hurry, J. (2008) "Political, Religious and Occupational Identities in Context: Placing identity Status Paradigm in Context", *Journal of Adolescence*, 31:241 -258.
- Soenens, B. Duriez, B. & Goossens, L. (2005) "Social-Psychological Profiles of Identity Styles: Attitudinal and Social-Cognitive Correlates in Late Adolescence", *Journal of Adolescence*, 28: 107-125.
- Turner, J.H. (1998) *The Structure of Sociological Theory*, California: Wadsworth Publishing Company.